

میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن*

موسی طیبی‌نیا^۱

چکیده

هدف از این مقاله بررسی موانع ازدواج جوانان و شناسایی میزان تمایل آنان به ازدواج در استان همدان می‌باشد. در این مقاله با استفاده از روش پیمایشی اطلاعات مورد نیاز از یک نمونه ۴۰۰ نفری از جوانان مجرد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و طبقه‌ای تصادفی گردآوری شده است. مهمترین موانع ازدواج در این بررسی برحسب اولویت عبارتند از: موانع فرهنگی با میانگین رتبه‌ای (۴/۹۴)، موانع اجتماعی با میانگین رتبه‌ای (۳/۶۰)، موانع اقتصادی با میانگین رتبه‌ای (۲/۲۳)، موانع حاکمیتی با میانگین رتبه‌ای (۲/۲۰) و موانع فردی با میانگین رتبه‌ای (۲/۰۲). از نظر پاسخگویان زن میانگین سن مطلوب ازدواج ۲۴/۱۹ و از نظر پاسخگویان مرد ۲۶/۶۳ است. از نظر جوانان مرد و زن مهمترین ملاک انتخاب همسر، تفاهم اخلاقی با همسر می‌باشد. کم‌اهمیت‌ترین ملاک انتخاب همسر نیز میزان تحصیلات همسر و تفاوت سنی مناسب با همسر می‌باشد. در زمینه تمایل جوانان به ازدواج نمره تمایل به ازدواج (۷۷/۸ درصد) از آنان بالاتر از میانگین مقیاس می‌باشد. از این‌رو اکثریت جوانان مورد بررسی در این پژوهش تمایل به ازدواج دارند. البته زنان بیشتر از مردان تمایل به ازدواج داشته‌اند.

کلید واژه: موانع فرهنگی، موانع اجتماعی، موانع اقتصادی، موانع حاکمیتی، موانع فردی، تمایل به ازدواج.

۱- مقدمه

خانواده کوچکترین و مهمترین نهاد اجتماعی است و به عنوان سنگ زیربنای جامعه و تنها نظام اجتماعی محسوب می‌شود که بطور رسمی در همه جوامع پذیرفته شده و تشکیل دهنده مختصات جامعه است. این اهمیت به چند دلیل است؛ اول اینکه خانواده از نظر جمعیتی و زمانی فراگیرترین نهاد است، به گونه‌ای که زندگی افراد را از آغاز تا انجام دربر می‌گیرد، دوم اینکه خانواده کانون تربیت انسان‌ها و مرکزی است که سرنوشت دنیا و آخرت انسان‌ها در آن رقم می‌خورد، سوم اینکه جامعه از خانواده‌ها تشکیل یافته است. از این رو سرنوشت جامعه با سرنوشت خانواده پیوند خورده است. مهمتر آنکه مطالعه متون دینی نشان می‌دهد که ازدواج و تشکیل خانواده نه فقط با دین و ایمان منافاتی ندارد، بلکه در مکتب اسلام ازدواج قداست نیز دارد و از جایگاهی بسیار والا برخوردار است. این حقیقت در متون دینی با تعبیرهای مختلف و در قالب‌های گوناگون بیان شده است. جامعه از طریق خانواده می‌تواند حس مشارکت لازم را در افراد ایجاد نماید. خانواده محیطی مقدس، باصفا و به زیباترین تعبیر قرآنی «لتسکنوا الیها» محل سکون و آرامش به معنی واقعی است (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

در دهه‌های اخیر، تحول در ساختارهای فرهنگی- اجتماعی آهنگی شتابان داشته است. آثار این تغییرات را می‌توان در تمام عرصه‌های حیات اجتماعی و فردی و بیش از همه در حیات خانوادگی مشاهده کرد. ازدواج به عنوان یکی از وقایع مهم حیاتی که از نظر اجتماعی به عنوان پیوندی با ثبات و هدفمند بین زن و مرد در بستر خانواده شناخته می‌شود در سال‌های اخیر دچار تغییر و تحولات عمیقی در تمامی ابعاد شده است (بانکی پور فرد، ۱۳۹۰: ۲۷). آمار موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در کل کشور برای مردان ۲۷/۳۰ سال و برای زنان ۲۳ سال بوده، در استان همدان نیز برای مردان ۲۷/۲ سال و برای زنان ۲۲/۱ سال می‌باشد (خبرنامه آماری کشور، ۱۳۹۱: ۲۰).

در برنامه چهارم توسعه کاهش پنج درصدی طلاق و افزایش پنج درصدی ازدواج پیش بینی شده بود ولی پیش بینی‌ها تحقق پیدا نکرده اند. در طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۸۰ میزان ازدواج و طلاق به طور سالیانه به ترتیب معادل ۴/۷ درصد و ۹ درصد رشد داشته است (قانع‌ی راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۲). بر اساس برخی از آمارها ۷۲ درصد دختران فراری بین ۲۵-۱۶ سال داشته‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از دختران فراری کسانی هستند که به رغم نیاز شدید آنها به ازدواج و داشتن خواستگارهای متعدد، والدین آنها با ازدواجشان مخالفت کرده‌اند (ناستی زائی، ۱۳۸۵: ۹۴). طی سال‌های ۸۶ تا ۹۰ درصد تغییر نرخ ازدواج هر سال نسبت به سال قبل کاهش داشته، طوریکه در سال ۸۶ (۸/۱) در سال ۷۸ (۴/۸) در سال ۸۸ (۱) در سال ۸۹ (۰/۲) و در سال ۹۰ (۱/۹-) بوده است. به عبارت دیگر از سال ۸۶ تا ۸۹ بر میزان

ازدواج‌ها هرچند با شیب اندک به‌ویژه در سال‌های ۸۸ تا ۸۹ اضافه شده است، اما در سال ۹۰ نسبت با سال ۸۹ میزان ازدواج‌های ثبت شده ۱/۹ درصد کاهش نشان می‌دهد (سالنامه آماری، ۱۳۹۰: ۳۰۶).

براساس آخرین آمارهای موجود در سال ۹۱ میزان کل ازدواج‌های صورت گرفته در کل کشور ۸۲۹۹۶۸ می‌باشد که از این میان سهم استان همدان ۲۳۱۸۳ ازدواج بوده، یعنی حدود ۲/۷۹ درصد از ازدواج‌های صورت گرفته در کل کشور به استان همدان اختصاص داشته است و رتبه استان چهاردهم بوده است (سایت ثبت احوال کشور). تعداد ازدواج‌های ثبت شده در استان همدان در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ رشدی معادل ۲/۷ درصد داشته است، اما در سه ماهه اول سال ۹۱ نسبت به مدت مشابه در سال ۹۰ در حدود ۴/۹ درصد کاهش نشان می‌دهد (سالنامه آماری همدان، ۱۳۹۰: ۸۷) و (خبرنامه آماری کشور، ۱۳۹۱: ۳).

ساختار سنی جمعیت کشور ما به سمت پیر شدن می‌رود طوری که نسبت جوانی جمعیت از ۴۴/۲۹ در سال ۷۰ به ۲۳/۴ در سال ۹۰ رسیده است. از اینرو این شرایط زنگ خطری است که توسط کارشناسان و مسئولین نیز هشدار داده شده است. لذا یکی از سیاست‌های کلان کشور در شرایط فعلی افزایش جمعیت می‌باشد. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت استان همدان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ در حدود ۰/۶۴ بوده در حالی که در کل کشور ۱/۲۹ می‌باشد. از این لحاظ استان همدان یکی از استان‌هایی است که پایین‌ترین نرخ رشد جمعیت را داشته و رتبه پنجم پس از استان‌های اردبیل، ایلام، لرستان و گیلان را به خود اختصاص داده است (مرکز آمار ایران). بنابراین بررسی به موقع، علمی و همه جانبه ازدواج، اولین گام در جهت آسیب زدایی و بهبود وضعیت موجود است. بر همین اساس در این مقاله به دنبال آن هستیم تا به سؤال‌های اصلی زیر پاسخ دهیم:

- میزان تمایل به ازدواج در بین جوانان در استان همدان چقدر است؟
- مهمترین موانع ازدواج جوانان در استان همدان کدامند؟
- سن مطلوب ازدواج از نظر جوانان در استان همدان چقدر است؟
- ملاک‌های همسر دلخواه از نظر جوانان در استان همدان کدامند؟

۲- چارچوب نظری

هر پژوهشی بر یک زیرساخت نظری استوار است که به گفته کیوی و کامپنهود به عنوان شالوده‌ای برای فرضیه‌هایی به کار می‌رود که به اعتبار آنها محقق پاسخ منسجمی به پرسش آغازین خواهد داد. در پرتو این چارچوب نظری انتخاب شده، پرسش آغازین صورت قطعی معنای دقیقش را پیدا خواهد کرد و مسیری که در آن پاسخی برایش جستجو خواهد شد، مشخص می‌گردد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۵: ۸۹-۸۸).

در علوم اجتماعی کمتر نظریه‌ای را می‌توان یافت که به طور جامع به تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی بپردازد. هر نظریه‌ای با رویکرد خاصی به مسائل اجتماعی می‌پردازد، از اینرو در این مقاله از نظریه‌های نظام اجتماعی، نوسازی و نظریه ارزش‌های فرهنگی جهت تبیین موانع ازدواج استفاده شده‌است که بطور خلاصه به آنها پرداخته می‌شود.

در نظریه نظام اجتماعی در چهارچوب فونکسیونالیسم ساختی مشکلات ازدواج را می‌توان با توجه به عدم تعادل بین دو خرده نظام اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. براساس این دیدگاه بالارفتن سن ازدواج تابع عدم تعادل و هماهنگی بین عناصر درون خرده نظام اقتصادی است که شامل عدم توازن و تعادل بین بلوغ اقتصادی از یک سو و بلوغ جنسی از طرف دیگر و نیز عدم هماهنگی میان خرده نظام اقتصادی از یک طرف و خرده نظام فرهنگی از طرف دیگر است که باعث می‌شود میان بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی و اجتماعی جوانان تعادل و هماهنگی وجود نداشته باشد (آکرمن^۱، ۱۹۲۷).

در جریان نوسازی و جهانی شدن به واسطه تغییراتی مانند شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، گسترش تکنولوژی، اشتغال زنان و تنوع‌پذیری نهادهای اجتماعی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود و این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند (قانع‌راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹: ۶۸-۱۶۷). در نتیجه خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می‌شود. فرآیند نوسازی با ترجیح خانواده هسته‌ای، فرد محوری در مقابل خانواده محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۴-۲۹). همچنین فرآیند نوسازی با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه همراه است؛ به طوری که در دنیای مدرن امروزی افراد به نگرش‌هایی به خصوص در زمینه انتخاب همسر دست یافته‌اند که دایره انتخاب همسر را محدودتر می‌کند. بنابراین، با تغییر در نگرش‌های حاصل از نوسازی، سن شروع به زناشویی افراد بالاتر رفته و افراد در سنین بالاتری همسر انتخاب می‌کنند (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۸۲). از این‌رو، نهاد ازدواج تحت تأثیر تغییرات ساختاری و فرهنگی و بطورکلی متأثر از جایگاه جوامع در گذار از نظم سنتی به نظم مدرن دچار تغییرات چشمگیری شده است.

در چارچوب نظری مبتنی بر نوسازی بین عوامل سنتی و مدرن تمایز قایل می‌شوند و انتقال از عوامل دسته‌اول به عوامل دسته‌دوم مورد توجه قرار می‌گیرد. براین‌اساس عوامل سنتی عبارتند از شبکه خویشاوندی، خانواده محوری، خانواده گسترده، ازدواج‌های ترتیب یافته، تولید خانگی و غیره و عوامل

مدرن عبارتند از تضعیف شبکه خویشاوندی و گسترش فرد محوری، ازدواج مبتنی بر انتخاب افراد، واگذاری کارکردهای خانواده به نهادها و سازمان‌های دیگر، گسترش فرصت‌های تحصیلی و شغلی، تغییر شیوه تولید، شهرنشینی، بهبود موقعیت زنان، تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت، ظهور ایده‌ها و ارزش‌های جدید مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده و غیره می‌باشند. بر این اساس، یکی از مهمترین تغییرات اجتماعی و فرهنگی که مرتبط با فرآیند نوسازی در ایران رخ داده، تحولات مربوط به خانواده و ازدواج می‌باشد. مسأله ازدواج یک برساخت اجتماعی است. زیرا ریشه در عملکرد ساختارهای نهادی (بویژه ساختار شتغال)، اجتماعی (فرآیند نوسازی، تغییر در نقش‌های اجتماعی، رواج مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی در جامعه و نابرابری جنسیتی)، فرهنگی (آداب و رسوم و سنت‌های قومی فرهنگی) و شرایط جمعیت شناختی (عدم تعادل نسبت‌های جنسی به هنگام ازدواج) جامعه دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

بر اساس نظریه ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های ازدواج به منزله جلوه‌های ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند. ارزش‌های فرهنگی قواعد ازدواج را توجیه می‌کنند (برای نمونه چه کسی برای همسری شایسته است) یا مفروضه‌های عملی قلمرو زندگی زناشویی را فرا می‌خوانند (برای مثال چه اعمالی برای زوجین مجاز یا ممنوع شمرده می‌شود). در این صورت، با توجه به معانی ارزش‌های ازدواج، می‌توان ارتباط آنها را با ارزش‌های فرهنگی پیش‌بینی کرد (برای نمونه ارزش نجابت همسر، با ریخت فردنگر) و انتظار داشت که نتایج تحلیل‌ها نشان دهنده ارزش‌های ازدواج در قالب ابعادی متناظر با ابعاد ارزش‌های فرهنگی باشند. اما اگر ریخت‌های ارزش‌های فرهنگی، ماحصل تحلیل ارزش‌ها در سطح بین فرهنگی اند واحد تحلیل مناسب برای سنجش اعتبار ابعاد ارزشی سطح فرهنگ، جامعه یا گروه فرهنگی است، نه شخص منفرد پس نمی‌توان ریخت‌های محتمل حاصل از تحلیل ارزش‌های ازدواج در یک فرهنگ خاص (تحلیل در سطح فرد) را به منزله ارزش‌های فرهنگی ازدواج، قلمداد کرد. با این وجود تحلیل ارزش‌ها در سطح فرد، مبنای اصلی برای تحلیل ارزش‌ها در سطح فرهنگ بوده است. ابعاد فرهنگی ارزش‌های ازدواج، عبارتند از معانی و دریافت‌های ارزشی در قلمرو ازدواج که اعضای جامعه در آنها اشتراک دارند (دلخموش، ۱۳۸۶: ۳۰۲).

۳- پیشینه تحقیق

سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۰ در تحقیقی با عنوان «مطالعات ملی اولویت بندی موانع ازدواج» ترتیب موانع ازدواج را به صورت زیر بیان می‌کند: برای پسران بیکاری در رتبه اول، نداشتن ثبات شغلی در رتبه دوم، نداشتن توان مالی کافی در رتبه سوم، نیافتن فرد مناسب در رتبه چهارم و برای دختران بیکاری

خواستگاران در رتبه اول، پیدا نکردن فرد مناسب در رتبه دوم، آزاد نبودن در انتخاب همسر در رتبه سوم و نبود حس مسؤولیت پذیری در پسران در رتبه چهارم قرار می‌گیرد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰).

موسوی در سال ۱۳۸۲ در تحقیقی با عنوان «بررسی موانع ازدواج و عوامل تهدید کننده آن در دختران و زنان تهران» به نتایج زیر دست می‌یابد: تمام دختران ایرانی تقریباً با موانع مشابهی (پیدا نکردن فرد مناسب، مخالفت و سخت‌گیری خانواده با خواستگاران و یا فرد مورد نظر، داشتن تجربه شکست در رابطه قبلی چه به صورت عقد، نامزدی و یا دوستی) در امر ازدواج مواجه هستند. انتظار از ازدواج در طول سال‌های اخیر تغییر کرده است ولی راهکار مناسبی برای رسیدن به ازدواج موفق توسط خانواده و جامعه به نسل جوان ارائه نشده است. ناهماهنگی در این امر به موانع ازدواج و ازدواج‌های ناپایدار ختم می‌شود (موسوی، ۱۳۸۲).

نیک‌منش و کاظمی در سال ۱۳۸۵ در تحقیقی با عنوان «علل و راه‌حل‌های تأخیر از ازدواج جوانان» به بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج در جوانان و راه‌حل‌های مؤثر جهت رفع این مشکل پرداخته‌اند. ۱۲۰ نفر از جامعه آماری این تحقیق که دختران بالای ۲۵ سال و پسران بالای ۲۷ سال ساکن شهر زاهدان بوده‌اند به روش تصادفی در دسترس انتخاب شده و پرسشنامه محقق ساخته در اختیار آنها قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که فرصت‌های ازدواج برای دختران دارای تأخیر در ازدواج نسبت به پسران بیشتر فراهم بوده است و دختران مهمترین دلیل ازدواج نکردن خود را نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل معرفی کرده‌اند. پسران مشکلات اقتصادی و بیکاری را دلیل عدم ازدواج خود مطرح کرده‌اند. میزان امید برای ازدواج در آینده در پسران نسبت به دختران بیشتر است. همچنین نتایج نشان داد که دختران و پسران، کاهش انتظارات والدین را به عنوان راه‌حل عمده معضل ازدواج می‌دانند. در اولویت دوم پسران و دختران رفع مشکلات اقتصادی و بیکاری را به عنوان راه‌حل مطرح کرده‌اند (نیک‌منش و کاظمی، ۱۳۸۵).

ناستی‌زائی در سال ۱۳۸۵ در تحقیقی با عنوان «بررسی موانع ازدواج دختران دانشگاه سیستان و بلوچستان» هدف از تحقیق خود را بررسی موانع ازدواج دختران و ارائه راهکارهای مناسب برای حل این معضل اجتماعی می‌داند. این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و حجم نمونه آن ۳۰۵ نفر بوده که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب و پرسشنامه محقق ساخته‌ای در اختیار آنان قرار داده شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که ۵ عامل مورد بررسی یعنی عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بی‌توجهی مسئولان و عدم صلاحیت جوانان در موانع ازدواج دختران از دیدگاه پاسخگویان مؤثر بوده است (ناستی‌زائی، ۱۳۸۵).

صادقی و همکاران در سال ۱۳۸۶ در تحقیقی با عنوان «واکاوی مسأله ازدواج و اعتبار سنجی یک راه حل» به مطالعه این موضوع با روش تحلیل ثانوی داده‌های طرح ملی بررسی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوار که توسط مرکز آمار ایران با همکاری مرکز تحقیقات علمی فرانسه به روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه ساخت یافته در سال ۱۳۸۰ گردآوری شده است می‌پردازند. نمونه آماری این

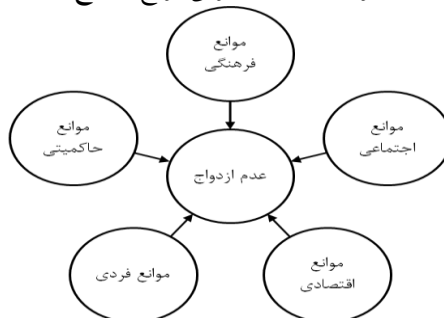
طرح ۶۱۰۰ جوان مجرد ۲۹-۱۵ ساله کل کشور بوده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۹۰ درصد جوانان معتقدند موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و دارا بودن شرایط مالی مناسب بوجود می‌آید، همچنین حدود نیمی از جوانان پاسخگو مناسب ترین موقعیت ازدواج برای دختران را بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی بیان نموده‌اند که در واقع بیانگر نوعی تغییر ارزشی در جامعه و ظهور نقش‌های اجتماعی جدید برای زنان می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که مدرنیزاسیون و ابعاد آن همراه با اعتقادات و ارزش‌های قومی فرهنگی از عوامل تعیین کننده نگرش‌ها و ایده‌آل‌های ازدواج جوانان می‌باشند. درخصوص تبدیل شدن ازدواج به یک مسأله اجتماعی، جوانان بر این عقیده بوده‌اند که عوامل مختلفی مانند مشکل دستیابی جوانان پسر به فرصت‌های اقتصادی و نداشتن شغل دائم، پیدا نکردن فرد مناسب، نابرابری جنسیتی در فرآیند ازدواج (نداشتن حق انتخاب همسر توسط دختران) و ... زمینه‌ساز مسأله ازدواج شده‌است. با توجه به مسأله شدن ازدواج و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، ازدواج موقت به‌عنوان یک راه حل برای برون رفت از این وضعیت پیشنهاد شده و مورد توجه قرار گرفته‌است. حال آنکه اعتبار سنجی این راه حل در میان جوانان نشان داد که ازدواج موقت به‌عنوان حل مسأله، از اعتبار و پذیرش اجتماعی برخوردار نیست و با مخالفت شدید ارزشی جوانان همراه می‌باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶). در یک پژوهش طولی توسط استرنج^۱ که در سال ۱۹۷۵ میان گروهی از زنان روستایی کشور مالی انجام گردید، الگوهای ازدواج در میان آنها و نگرش افراد نسبت به آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نهایی این بررسی نشان داد به‌طور کلی ده سالی که از اجرای این پژوهش می‌گذشت، میانگین سن ازدواج دختران از ۱۷ سال به ۱۸ سال افزایش یافته‌بود. این بررسی همچنین نشان داد که دستیابی به سطح تحصیلی بالاتر سبب تأخیر در امر ازدواج در افراد مورد بررسی گردیده و میانگین سن ازدواج دخترانی که تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده بودند به ۲۲ سال افزایش یافته بود (استرنج، ۱۹۷۵). اینجلیس و گرین گلاس^۲ در سال ۱۹۸۹ در تحقیقی با عنوان «انگیزه ازدواج در میان زنان و مردان» نشان دادند که در دهه ۹۰ موانع ازدواج برای جوانان عبارت بود از نداشتن شغل، مشکل مسکن، مشکل در زندگی با دیگران، کم شدن آزادی بعد از ازدواج، تعارض بین شغل و ازدواج و نگرش به ازدواج به عنوان یک قمار پر مخاطره. همچنین نتایج تحقیق آنان نشان داد که زنان انگیزه قویتری برای ازدواج نسبت به مردان دارند هرچند که این انگیزه در زنان با سن بالاتر از ۲۶ سال کمتر از مردان است. این نتیجه می‌تواند بیانگر رابطه افزایش سن، با کاهش تمایل به ازدواج باشد.

1 - Strange

2 - Inglis and Greenglass

گارینو^۱ در سال ۱۹۹۲ در تحقیقی با عنوان «تمایل جوانان به ازدواج» می‌نویسد بعد از اتمام تحصیلات، ازدواج مهمترین تصمیم هر فرد در زندگی است و عواملی نظیر میزان طلاق در جامعه، اهداف دوره زندگی و علایق آموزشی و تحصیلی از عواملی هستند که بر تمایل فرد نسبت به ازدواج اثر می‌گذارند. بنابراین جوانانی که فرزندان طلاق هستند و همچنین کسانی که اهداف تحصیلی دراز مدت دارند و یا برای آینده زندگی خود و فرزندانشان اهداف طولانی مدت دارند دیرتر ازدواج خواهند کرد (گارینو، ۱۹۹۲). شرودر^۲ در سال ۲۰۰۳ در تحقیقی «با عنوان معنای ازدواج: مطالعه‌ای اکتشافی در مورد اینکه چرا زنان ازدواج می‌کنند» دلایل تمایل به ازدواج زنان شرکت کننده در تحقیق خود را به صورت زیر بیان می‌کند: تمایل به همراهی و مصاحبت، تمایل به داشتن بچه و خانواده، برخورداری از حمایت عاطفی، علاقه به جشن ازدواج، برخورداری از حمایت مالی، تمایلات جنسی و با معنا شدن زندگی (شرودر، ۲۰۰۳). ریا و ایزا^۳ در سال ۲۰۰۳ در تحقیقی با عنوان «بررسی اهداف زندگی در اسپانیا و پدیده تأخیر سن ازدواج» مطرح می‌نمایند که افزایش سن ازدواج در اروپای شمال غربی به کشورهای مدیترانه‌ای اسپانیا و ایتالیا گسترش یافته‌است. همچنین تغییرات شرایط زندگی در نتیجه ازدواج، همچون ناتمام ماندن تحصیلات، تولد فرزند، صرف مستقیم هزینه‌های مادی برای پرورش کودک موجب کاهش تمایل به باروری شده و در نتیجه موجب به تعویق افتادن ازدواج و تشکیل خانواده شده‌است (ریا و ایزا، ۲۰۰۳). شوئن و چونک^۴ (۲۰۰۶) معتقدند که انصراف از ازدواج با عواملی چون: افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان، تفاوت‌های جنسیتی کمتر در دریافت حقوق، نابرابری بیشتر در بین مردان و نابرابری اقتصادی میان گروه‌های نژادی مرتبط است (استرونک، ۲۰۰۸: ۳۲۲).

نمودار ۱- مدل مفهومی موانع ازدواج



- 1 - Guarino
- 2 - Schroeder
- 3 - Riea and Iza
- 4 - Robert Schoen & Yen-Hsin Alice cheng

۴- فرضیه‌های تحقیق

- بین موانع فردی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
- بین موانع اقتصادی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
- بین موانع اجتماعی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
- بین موانع حاکمیتی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
- بین موانع فرهنگی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

۴- تعریف متغیرها

موانع فردی ازدواج: این متغیر مواردی را که بیانگر ویژگی‌های فردی و روانی و شخصیتی است و ازدواج جوانان را با مشکل مواجه ساخته‌است شامل می‌شود که عبارتند از: تردید در ازدواج و تشکیل زندگی مشترک، ترس و نگرانی از ناموفق بودن ازدواج، ترس و نگرانی از انتخاب همسر مناسب، عدم توانایی در انجام وظایف همسری عدم توانایی در ابراز علاقه به فردی که به‌عنوان همسر انتخاب خواهد شد، ترس از برخورد با جنس مخالف، نیافتن فرد مورد علاقه برای ازدواج، نداشتن اعتماد به نفس برای تشکیل زندگی مشترک، وسواس در انتخاب همسر، داشتن بیماری یا نقص جسمانی، احساس آرامش از زندگی مجردی، داشتن مشکلات روانی.

موانع اقتصادی ازدواج: این متغیر مواردی را که بیانگر ویژگی‌های نظام اقتصادی است و ازدواج جوانان را با مشکل مواجه ساخته‌است شامل می‌شود که عبارتند از: وجود مشکلات مالی و اقتصادی، نامشخص بودن آینده شغلی به‌ویژه برای پسران، مشکل تهیه مسکن، سنگین بودن مهریه، مشکل تهیه جهیزیه برای دختران، بالا بودن هزینه‌زندگی، بالا بودن هزینه‌ازدواج، نداشتن حداقل درآمد برای اداره زندگی، وابستگی مالی پسران به والدین، فاصله طبقاتی خانواده دختر و پسری که قصد ازدواج دارند.

موانع اجتماعی ازدواج: این متغیر مواردی را که بیانگر ویژگی‌های نظام اجتماعی است و ازدواج جوانان را با مشکل مواجه ساخته‌است شامل می‌شود که عبارتند از: عدم توافق با فردی که به‌عنوان همسر انتخاب خواهد شد، عدم آگاهی درست از چگونگی شروع مراحل ازدواج، پایدار نبودن ملاک‌های انتخاب همسر، عدم شناخت از ملاک‌های درست در انتخاب همسر، عدم دسترسی آسان به مراکز مشاوره، عدم امکان آشنایی با جنس مخالف، نداشتن راهنمای خوب و مطمئن، احساس خجالت و کمرویی در برخورد با جنس مخالف، ادامه تحصیل به‌ویژه برای دختران، سختگیری بیش از حد والدین، عدم حس مسؤولیت-پذیری توسط پسران، اعتیاد پسران، ارتباط با دوستان مجرد، ایجاد دوستی‌های خیابانی، تجربه شکست در خواستگاری‌های قبلی.

موانع حاکمیتی ازدواج: این متغیر مواردی را که بیانگر ویژگی‌های نظام سیاسی (دولت) است و ازدواج جوانان را با مشکل مواجه ساخته است شامل می‌شود که عبارتند از: عدم پخش برنامه‌های آموزشی در زمینه ازدواج توسط رسانه‌ها، عدم وجود اولویت استخدام برای متاهلین جوان، عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک به زوج‌های جوان، آسان نبودن پرداخت وام مورد نیاز به زوج‌های جوان، کافی نبودن میزان وام پرداختی جهت تأمین هزینه‌های ازدواج، کافی نبودن مراکز تخصصی مشاوره کارآمد در زمینه ازدواج، عدم ساخت فیلم‌های مناسب با محوریت ازدواج موفق و پخش در رسانه ملی، عدم برگزاری نشست‌های تخصصی در زمینه ازدواج، عدم وجود مباحث عمده پیرامون ازدواج در کتب درسی در سطح مدارس، عدم وجود قوانین رسمی به منظور حمایت از ازدواج‌های آسان، عدم وجود سازمانی خاص در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده.

موانع فرهنگی ازدواج: این متغیر مواردی را که بیانگر ویژگی‌های نظام فرهنگی است و ازدواج جوانان را با مشکل مواجه ساخته است شامل می‌شود که عبارتند از: مخالفت خانواده‌ها با انتخاب همسر توسط فرزندان، عدم ابراز تمایل به ازدواج در خانواده توسط فرزندان، عدم توجه به ارزشهای معنوی، تعصب خانواده‌ها در زمینه ازدواج با فرد هم‌زبان و هم‌شهری، تأکید خانواده‌ها در ازدواج فرزندان با فرد مورد نظر آنها، دخالت و سختگیری والدین، عیب تلقی شدن آشنایی با جنس مخالف، اعتقاد خانواده‌ها به - ویژه خانواده دختر به برگزاری مراسم مجلل عروسی، اعتقاد خانواده‌ها به ازدواج فامیلی، عدم رضایت خانواده به سکونت دختر در شهر دیگر، اعتقاد خانواده‌ها به کوچک‌تر بودن دختر از پسر در هنگام ازدواج، اعتقاد خانواده‌ها به ازدواج دختر کوچک‌تر پس از ازدواج دختر بزرگتر، عیب شمردن مطرح شدن مسأله ازدواج توسط خانواده دختر، چشم و هم‌چشمی در ازدواج، بالا رفتن سطح توقعات دختران، اعتقاد به ازدواج پس از اتمام تحصیلات، بالا بودن تحصیلات دختر نسبت به پسر، عدم حمایت از ازدواج‌های ساده، مخالفت خانواده‌ها با انتخاب همسر توسط فرزندان.

تمایل به ازدواج: منظور از این متغیر نگرش، باور و ارزشهای جوانان در زمینه ازدواج می‌باشد.

۵- روش تحقیق

روش به‌کار گرفته‌شده در این مقاله پیمایشی توصیفی و تحلیلی از نوع مقطعی است که یکی از روش‌های گردآوری، تنظیم و تحلیل داده‌هاست (دواس، ۱۳۷۶: ۱۶). در روش پیمایشی ملموس‌تر از هر روش دیگری باید جامعه و نمونه آماری مشخص شود، از این رو جامعه آماری عبارتست از تمامی افراد مجرد ۲۹-۲۰ ساله شهرهای استان همدان و تعداد آنها بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در

(سال ۱۳۹۰) ۱۲۲۴۲۴ نفر می‌باشد. یکی از مهمترین ابزارهای گردآوری اطلاعات در بررسی‌های پیمایشی پرسشنامه است، از این رو در این تحقیق از این تکنیک استفاده شده که بیشتر سوال‌های آن بسته و بصورت طیف می‌باشد. انتخاب حجم نمونه باید دقیقاً از میان جامعه‌ای که مورد مطالعه قرار می‌گیرد انتخاب شود. به همین منظور جامعه آماری کلیه جوانانی هستند که در گروه سنی ۲۹-۲۰ ساله قرار دارند. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان^۱ ۳۸۴ نفر بدست آمد، اما به منظور توزیع دقیق‌تر نمونه‌ها حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش داده شد. بنابراین نتایج این بررسی با ۹۵ درصد اطمینان و به اضافه و منهای خطای نمونه‌گیری (۵ درصد) به جامعه تحقیق قابل تعمیم است. چنانچه نمونه نماینده واقعی جامعه‌ای که از آن انتخاب شده است نباشد و یا به عبارت دیگر، اگر نمونه دارای اریب^۲ باشد، امکان برآورد صحیح و دقیق درباره جامعه وجود نخواهد داشت (دلاور، ۱۳۷۸: ۲۵۶). یکی از راه‌های جلوگیری از اریب در نمونه انتخاب روش مناسبی برای نمونه‌گیری است تا نمونه‌ها به طور تصادفی انتخاب شوند، یعنی نمونه‌گیری به روش احتمالی باشد. یکی از انواع نمونه‌گیری احتمالی، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که در این بررسی مورد استفاده قرار گرفته است. به این صورت که ابتدا خوشه‌های اصلی انتخاب شدند که شامل مناطق شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق از لحاظ موقعیت جغرافیایی اند. (شهرهای استان در قالب پنج خوشه اصلی فوق قرار گرفتند)

در مرحله دوم از میان خوشه‌های اصلی شمال (کبودرآهنگ و رزن)، جنوب (ملایر و نهاوند)، غرب (اسدآباد)، شرق (فامنین) و مرکز (همدان) انتخاب شد. در مرحله سوم براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای غیرنسبتی ۴۰۰ نمونه به نسبت مساوی بین ۵ خوشه اصلی تقسیم شد. یعنی به هر خوشه اصلی ۸۰ نفر اختصاص داده شد. در هر خوشه فرعی نیز با در نظر گرفتن سهم یکسان، نمونه‌ها براساس گروه سنی و جنسیت توزیع گردید.

در مرحله چهارم از میان خوشه‌های فرعی انتخاب شده در هر شهر تعدادی بلوک در شمال و جنوب انتخاب و با مراجعه به بلوک‌های مورد نظر و در نظر گرفتن پلاک‌های فرد منازل هر بلوک به صورت تصادفی نمونه‌های مورد نیاز و واجد شرایط پرکردن پرسشنامه انتخاب شدند. به منظور دستیابی به گویه‌های پایا در این تحقیق ابتدا ۴۰ نمونه از جامعه آماری مورد نظر در قالب دو شهر (همدان و اسدآباد) انتخاب شد که پس از توضیح پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری آنها با استفاده از نرم افزار Spss ضریب قابلیت اعتماد^۳ گویه‌ها از طریق روش آلفای کرونباخ^۴ بدست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش میزان تک بعدی

-
- 1 - Krejcie and Morgan
 - 2- Bias
 - 3 - Reliability coefficient
 - 4 - Cronbach

بودن نگرش‌ها، قضاوت‌ها، عقاید و سایر مقولاتی که اندازه‌گیری آنها آسان نیست بکار می‌رود. در واقع در اینجا می‌خواهیم ببینیم تا چه حد برداشت پاسخگویان از سؤالات یکسان بوده است. اساس ضریب آلفای کرونباخ نیز بر پایه طیف‌های مقیاس‌هاست^۱ (منصورفر، ۱۳۸۷: ۴۸). در روش آلفای کرونباخ آماره آلفا شاخص پایایی کل مقیاس است که باید مقدار آن حداقل ۰/۷۰ باشد. نتایج نهایی بدست آمده برای آزمون مقدماتی با استفاده از روش آلفای کرونباخ در جدول ۱- آمده است. ضرایب آلفا برای تمام متغیرها قابل قبول است.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ برای تمایل به ازدواج و موانع آن

نام متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
تمایل به ازدواج	۱۸	۰/۹۰
موانع فردی	۱۲	۰/۷۳
موانع اقتصادی	۱۰	۰/۸۳
موانع اجتماعی	۱۵	۰/۷۹
موانع حاکمیتی	۱۱	۰/۷۱
موانع فرهنگی	۱۸	۰/۸۴

مفهوم اعتبار^۲ به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه‌ی مورد نظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت داده‌های خاص از آن اطمینان داشت (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۷۰). یکی از انواع اعتبار ابزار اندازه‌گیری، اعتبار محتوایی^۳ است که در این تحقیق از آن استفاده شده است. یعنی سؤال‌های تحقیق که به منظور سنجش موانع ازدواج و تمایل به ازدواج طراحی شده است از طریق مشاوره با اساتید فن، اهداف مورد نظر تحقیق را محقق می‌سازد. روش کار به این صورت بود که بعد از تنظیم پرسشنامه براساس شاخص‌های برگرفته شده از چهارچوب نظری، در مرحله اول، پرسشنامه به ۳ نفر از اساتید علوم اجتماعی و همچنین ناظر طرح داده شد و پس از اعمال اصلاحات مورد نیاز از نظر اعتبار محتوایی اطمینان حاصل شد.

۶- یافته‌ها

۶-۱- ویژگی‌های عمومی پاسخگویان

جدول ۲- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، از نظر جنسیت (۵۰ درصد) پاسخگویان زن و (۵۰ درصد) نیز مرد می‌باشند. از

۱- مقیاس عبارتست از دسته‌ای از اعداد که بر روی یک پیوستار، به افراد، اشیاء یا رفتارها در جهت به کمیت کشاندن کیفیتها اختصاص داده می‌شود.

2 - Validity

3 - Content- related validity

لحاظ سن نیز (۵۰ درصد) پاسخگویان در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله و (۵۰ درصد) نیز در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله می‌باشند. از نظر قومیت، بیشتر پاسخگویان (۵۲/۵ درصد) جزء اقوام ترک استان بوده، کمترین درصد (۳/۵ درصد) کرد می‌باشند. همچنین (۲۳/۵ درصد) پاسخگویان فارس و (۲۰/۵ درصد) نیز لر هستند. از لحاظ وضعیت فعالیت (۳۹/۷ درصد) پاسخگویان شاغل بوده، (۲۷/۸ درصد) آنها دانشجو (۲۰ درصد) خانه دار و (۱۲/۵ درصد) نیز بیکار می‌باشند.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی

جنسیت	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
زن	۲۰۰	۵۰	۲۰-۲۴ ساله	۲۰۰	۵۰
مرد	۲۰۰	۵۰	۲۵-۲۹ ساله	۲۰۰	۵۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰	جمع	۴۰۰	۱۰۰
قومیت	تعداد	درصد	وضعیت فعالیت	تعداد	درصد
فارس	۹۴	۲۳/۵	شاغل	۱۵۹	۳۹/۷
ترک	۲۱۰	۵۲/۵	بیکار	۵۰	۱۲/۵
کرد	۱۴	۳/۵	دانشجو	۱۱۱	۲۷/۸
لر	۸۲	۲۰/۵	خانه دار	۸۰	۲۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰	جمع	۴۰۰	۱۰۰

۷- تمایل به ازدواج

جدول ۳- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب تمایل آنها به ازدواج می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، میانگین تمایل به ازدواج (۶۱/۴۸) بیشتر از میانگین مقیاس^۱ (۵۴) می‌باشد و تفاوت این دو در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است. همچنین میانگین تمایل به ازدواج ۷۷/۸ درصد پاسخگویان بیشتر و میانگین تمایل به ازدواج ۲۲/۲ درصد آنها کمتر از میانگین مقیاس بوده است. به عبارت دیگر اکثریت پاسخگویان مورد بررسی تمایل به ازدواج دارند.

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب تمایل به ازدواج

تمایل به ازدواج	تعداد	درصد	میانگین	سطح معنی داری	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
پایین	۸۹	۲۲/۲	مقیاس	۵۴	۰/۰۰۰	۳۳	۸۸
بالا	۳۱۱	۷۷/۸	نمونه	۶۱/۴۸			
جمع	۴۰۰	۱۰۰	اختلاف میانگین	۷/۴۸			

۱- برای تعیین میانگین مقیاس از فرمول زیر استفاده شده است (شریفی، ۱۳۷۷: ۴۱۹). میانگین نمونه نیز همان میانگین پاسخ به گویه های متغیر مورد نظر (تمایل به ازدواج) توسط پاسخگویان است.

$$M = \frac{5k + 1k}{2} \quad \text{میانگین مقیاس} = M$$

k = تعداد اظهار نظرها (گویه ها)

براساس نتایج جدول ۴- میانگین تمایل به ازدواج برای جوانان زن ۶۴/۶۱ و برای جوانان مرد ۵۸/۳۶ می‌باشد که با توجه به مقدار T به دست آمده (۷/۵۲) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری بین میزان تمایل به ازدواج جوانان زن و مرد وجود دارد. طوری‌که جوانان زن بیشتر تمایل به ازدواج دارند.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین تمایل به ازدواج جوانان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	میانگین تمایل به ازدواج جوانان	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
زن	۲۰۰	۶۴/۶۱	۸/۳۱	۷/۵۲	۰/۰۰۰
مرد	۲۰۰	۵۸/۳۶	۸/۳۰		

۸- سن مطلوب ازدواج

جدول ۵- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب نظر آنها در مورد سن مطلوب ازدواج به تفکیک جنسیت می‌باشد. همانطورکه در جدول ملاحظه می‌شود، میانگین سن مطلوب ازدواج از نظر کل پاسخگویان ۲۵/۴۱ سال می‌باشد. از نظر پاسخگویان زن میانگین سن مطلوب ازدواج ۲۴/۱۹ و از نظر پاسخگویان مرد ۲۶/۶۳ است که به لحاظ آماری تفاوت معناداری بین این دو میانگین وجود دارد. به عبارت دیگر سن مطلوب ازدواج از نظر مردان بالاتر از سن مطلوب ازدواج از نظر زنان است. در عمل نیز مشاهده می‌شود که بر اساس نتایج سرشماری سال ۹۰ میانگین سن ازدواج زنان ۲۳/۴ و میانگین سن ازدواج مردان ۲۶/۷ سال بوده است (مرکز آمار ایران).

جدول ۵- میانگین نظر پاسخگویان در مورد سن مطلوب ازدواج به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
زن	۲۰۰	۲۴/۱۹	۲/۰۲	۰/۰۰۰
مرد	۲۰۰	۲۶/۶۳	۳/۲۵	
جمع	۴۰۰	۲۵/۴۱	۲/۹۶	

۹- ملاک‌های انتخاب همسر

جدول ۶- و نمودار ۲- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب ملاک‌های انتخاب همسر می‌باشد. همانطورکه در جدول و نمودار ملاحظه می‌شود، از نظر پاسخگویان مرد و زن مهمترین ملاک انتخاب همسر تفاهم اخلاقی با همسر می‌باشد طوری‌که (۶۷ درصد) پاسخگویان زن و (۶۰/۲ درصد) پاسخگویان مرد تفاهم اخلاقی با همسر را جزء سه اولویت اول خود در انتخاب همسر می‌دانند. کم اهمیت‌ترین ملاک

انتخاب همسر نیز میزان تحصیلات همسر و تفاوت سنی مناسب با همسر می‌باشد. طوری که تنها (۶/۵ درصد) از پاسخگویان زن و (۴ درصد) از پاسخگویان مرد میزان تحصیلات همسر را جزء سه اولویت اول خود در انتخاب همسر می‌دانند. همچنین (۸/۵ درصد) از پاسخگویان زن و (۴/۵ درصد) از پاسخگویان مرد تفاوت سنی مناسب با همسر را جزء سه اولویت اول خود در انتخاب همسر می‌دانند. در سایر ملاک-ها این نتایج بدست آمد که زنان (۵۳ درصد) بیشتر از مردان (۴۹/۹ درصد) به سلامت روانی و جسمی همسر اهمیت می‌دهند. مردان (۵۵/۱ درصد) بیشتر از زنان (۴۴/۵ درصد) به مسؤلیت‌پذیر بودن همسر و تعهد به زندگی مشترک توجه دارند. زنان (۴۱/۵ درصد) بیشتر از مردان (۲۸/۷ درصد) به پابندی همسر به اصول اعتقادی به عنوان یک ملاک در زمینه انتخاب همسر توجه می‌کنند. مردان (۳۲/۱ درصد) تا حدودی بیشتر از زنان (۳۰/۵ درصد) به اصالت خانواده توجه دارند. مردان (۳۹ درصد) بیشتر از زنان (۲۳/۵ درصد) به زیبایی و خوش تیبی همسر اهمیت می‌دهند. مردان (۱۶/۹ درصد) تا حدودی بیشتر از زنان (۱۵ درصد) به وضعیت خوب اقتصادی خانواده همسر اهمیت می‌دهند. و بالأخره اینکه زنان (۱۵ درصد) بیشتر از مردان (۱۲/۲ درصد) به همسطح بودن خانواده‌ها توجه می‌کنند.

جدول ۶- توزیع پاسخگویان بر حسب ملاکهای انتخاب همسر

جمع سه اولویت اول	اولویت‌ها				تعداد		ملاکهای انتخاب همسر
	۱	۲	۳	تعداد			
۳۰/۵	۱۳	۸/۵	۹	۲۰۰	زن	اصالت خانواده همسر	
۳۲/۱	۱۵/۸	۹/۲	۷/۱	۱۹۶	مرد		
۶۷	۳۵	۱۷/۵	۱۴/۵	۲۰۰	زن	تفاهم اخلاقی با همسر	
۶۰/۲	۲۸/۶	۲۱/۴	۱۰/۲	۱۹۶	مرد		
۸/۵	۰/۵	۳/۵	۴/۵	۲۰۰	زن	تفاوت سنی مناسب با همسر	
۴/۵	۲/۵	۰/۵	۱/۵	۱۹۷	مرد		
۲۳/۵	۷	۷	۸/۵	۲۰۰	زن	زیبایی و خوش تیبی همسر	
۳۹	۱۶/۲	۸/۱	۱۴/۷	۱۹۷	مرد		
۴۱/۵	۸/۵	۱۷	۱۶	۲۰۰	زن	پابندی همسر به اصول اعتقادی	
۲۸/۷	۹/۲	۹/۲	۱۰/۳	۱۹۵	مرد		
۱۵	۳	۴/۵	۷/۵	۲۰۰	زن	وضعیت خوب اقتصادی خانواده همسر	
۱۶/۹	۲/۶	۶/۱	۸/۲	۱۹۶	مرد		
۴۴/۵	۱۴	۱۵/۵	۱۵	۲۰۰	زن	مسؤلیت‌پذیر بودن همسر و تعهد به زندگی مشترک	
۵۵/۱	۱۳/۸	۲۱/۹	۱۹/۴	۱۹۶	مرد		
۵۳	۱۷	۲۰/۵	۱۵/۵	۲۰۰	زن	سلامت روانی و جسمی همسر	
۴۹/۹	۱۲/۲	۱۶/۸	۲۰/۹	۱۹۶	مرد		
۶/۵	۱/۵	۱/۵	۳/۵	۲۰۰	زن	میزان تحصیلات همسر	
۴	۱	۱/۵	۱/۵	۱۹۶	مرد		
۱۵	۲/۵	۴	۸/۵	۲۰۰	زن	هم سطح بودن خانواده‌ها	
۱۲/۲	۱/۵	۳/۶	۷/۱	۱۹۶	مرد		

۱۰- تأثیر موانع فردی بر عدم ازدواج جوانان

جدول ۷- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب دیدگاه آنان در زمینه تأثیر موانع فردی در زمینه عدم ازدواج می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، (۶۹/۷ درصد) پاسخگویان تأثیر موانع فردی در عدم ازدواج جوانان را متوسط، (۱۶ درصد) کم و (۱۴/۳ درصد) نیز زیاد ارزیابی نموده‌اند. همچنین بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. $\chi^2(2) = 238/44; P < 0/05$ بنابراین می‌توان گفت بین موانع فردی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۷- توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر موانع فردی در عدم ازدواج جوانان

تأثیر موانع فردی در عدم ازدواج جوانان	تعداد	درصد	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار
کم	۶۴	۱۶	۶۴	۱۳۳/۳
متوسط	۲۷۹	۶۹/۷	۲۷۹	۱۳۳/۳
زیاد	۵۷	۱۴/۳	۵۷	۱۳۳/۳
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	
مجذور خی = ۲۳۸/۴۴	درجه آزادی = ۲	سطح معنا داری = ۰/۰۰۰		

۱۱- تأثیر موانع اقتصادی بر عدم ازدواج جوانان

جدول ۸- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب دیدگاه آنان در زمینه تأثیر موانع اقتصادی در زمینه عدم ازدواج می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، (۶۴/۵ درصد) پاسخگویان تأثیر موانع اقتصادی در عدم ازدواج جوانان را متوسط، (۱۸/۸ درصد) زیاد و (۱۶/۷ درصد) نیز کم ارزیابی نموده‌اند. همچنین بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. $\chi^2(2) = 175/08; P < 0/05$ بنابراین می‌توان گفت بین موانع اقتصادی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۸- توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر موانع اقتصادی در عدم ازدواج جوانان

تأثیر موانع اقتصادی در عدم ازدواج جوانان	تعداد	درصد	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار
کم	۶۷	۱۶/۷	۶۷	۱۳۳/۳
متوسط	۲۵۸	۶۴/۵	۲۵۸	۱۳۳/۳
زیاد	۷۵	۱۸/۸	۷۵	۱۳۳/۳
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	
مجذور خی = ۱۷۵/۰۸	درجه آزادی = ۲	سطح معنا داری = ۰/۰۰۰		

۱۲- تأثیر موانع اجتماعی بر عدم ازدواج جوانان

جدول ۹- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب دیدگاه آنان در زمینه تأثیر موانع اجتماعی در زمینه عدم ازدواج می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، (۶۵ درصد) پاسخگویان تأثیر موانع اجتماعی در عدم ازدواج جوانان را متوسط، (۱۸/۵ درصد) کم و (۱۶/۵ درصد) نیز زیاد ارزیابی نموده‌اند. همچنین بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. $\chi^2(2) = 18.074; P < 0.05$

بنابراین می‌توان گفت بین موانع اجتماعی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۹- توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر موانع اجتماعی در عدم ازدواج جوانان

تأثیر موانع اجتماعی در عدم ازدواج جوانان	تعداد	درصد	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار
کم	۷۴	۱۸/۵	۷۴	۱۳۳/۳
متوسط	۲۶۰	۶۵	۲۶۰	۱۳۳/۳
زیاد	۶۶	۱۶/۵	۶۶	۱۳۳/۳
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	
مجذور خی = ۱۸۰/۷۴	درجه آزادی = ۲	سطح معنا داری = ۰/۰۰۰		

۱۳- تأثیر موانع حاکمیتی بر عدم ازدواج جوانان

جدول ۱۰- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب دیدگاه آنان در زمینه تأثیر موانع حاکمیتی در زمینه عدم ازدواج می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، (۶۷/۸ درصد) پاسخگویان تأثیر موانع حاکمیتی در عدم ازدواج جوانان را متوسط، (۱۷/۸ درصد) زیاد و (۱۴/۴ درصد) نیز کم ارزیابی نموده‌اند. همچنین بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. $\chi^2(2) = 213.84; P < 0.05$ بنابراین می‌توان گفت بین موانع حاکمیتی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر موانع حاکمیتی در عدم ازدواج جوانان

تأثیر موانع حاکمیتی در عدم ازدواج جوانان	تعداد	درصد	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار
کم	۵۸	۱۴/۴	۵۸	۱۳۳/۳
متوسط	۲۷۱	۶۷/۸	۲۷۱	۱۳۳/۳
زیاد	۷۱	۱۷/۸	۷۱	۱۳۳/۳
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	
مجذور خی = ۲۱۳/۸۴	درجه آزادی = ۲	سطح معنا داری = ۰/۰۰۰		

۱۴- تأثیر موانع فرهنگی بر عدم ازدواج جوانان

جدول ۱۱- معرف توزیع پاسخگویان بر حسب دیدگاه آنان در زمینه تأثیر موانع فرهنگی در زمینه عدم ازدواج می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، (۶۱/۲ درصد) پاسخگویان تأثیر موانع فرهنگی در عدم ازدواج جوانان را متوسط، (۲۱/۱ درصد) زیاد و (۱۷/۷ درصد) نیز کم ارزیابی نموده‌اند. همچنین بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. $P < 0.05$; $\chi^2(2) = 139.59$

بنابراین می‌توان گفت بین موانع فرهنگی و عدم ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۱- توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر موانع فرهنگی در عدم ازدواج جوانان

تأثیر موانع فرهنگی در عدم ازدواج جوانان	تعداد	درصد	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار
کم	۷۱	۱۷/۷	۷۱	۱۳۳/۳
متوسط	۲۴۴	۶۱/۲	۲۴۴	۱۳۳/۳
زیاد	۸۴	۲۱/۱	۸۴	۱۳۳/۳
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	
مجذور خی = ۱۳۹/۵۹	درجه آزادی = ۲	سطح معناداری = ۰/۰۰۵		

۱۵- مهمترین موانع عدم ازدواج جوانان

نتایج جدول ۱۲ و نمودار ۳- بیانگر مهمترین موانع عدم ازدواج جوانان با استفاده از آزمون فریدمن می‌باشد. همانطور که در جدول و نمودار ملاحظه می‌شود مهمترین موانع بر حسب اولویت عبارتند از: موانع فرهنگی با میانگین رتبه‌ای (۴/۹۴)، موانع اجتماعی با میانگین رتبه‌ای (۳/۶۰)، موانع اقتصادی با میانگین رتبه‌ای (۲/۲۳)، موانع حاکمیتی با میانگین رتبه‌ای (۲/۲۰) و موانع فردی با میانگین رتبه‌ای (۲/۰۲). همچنین مقدار مجذور خی ۱۰۲۴/۲۶ بوده که در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

جدول ۱۲- اولویت‌بندی موانع عدم ازدواج جوانان با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه	موانع	میانگین رتبه‌ها
۱	موانع فرهنگی	۴/۹۴
۲	موانع اجتماعی	۳/۶۰
۳	موانع اقتصادی	۲/۲۳
۴	موانع حاکمیتی	۲/۲۰
۵	موانع فردی	۲/۰۲
تعداد پاسخگویان: ۳۹۹ نفر، درجه آزادی: ۴، مقدار مجذور خی: ۱۰۲۴/۲۶، سطح معناداری: ۰/۰۰۵		

۱۶- نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت ازدواج بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما متأسفانه در سال‌های اخیر تأخیر در ازدواج به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی مطرح شده‌است. در گذشته بسیاری از دختران بلافاصله پس از سن بلوغ

ازدواج کرده و راهی خانه بخت می‌شدند، اما امروزه موانعی سن ازدواج جوانان را با افزایش چشمگیری مواجه ساخته‌است. البته به تعویق افتادن سن ازدواج می‌تواند به افزایش سرمایه‌های انسانی فرد منجر گردد و فرد با دیدی بازتر و اندیشمندتر همسر خود را انتخاب نماید، می‌توان گفت که این تأخیر نقش مثبتی در زندگی فرد داشته‌است، ولی در بسیاری از مواقع افزایش بیش از حد سن ازدواج باعث سرخوردگی‌های عاطفی و روانی در فرد می‌شود که حتی افزایش توانمندی‌های فردی هم نمی‌تواند این سرخوردگی‌ها را درمان کند. در اصطلاح کلی می‌توان گفت که ازدواج فرد می‌بایست در سن مطلوب انجام شود نه آنقدر زود که صرفاً مبتنی بر غرایز جنسی باشد و نه آنقدر دیر که منجر به بروز اختلالات روانی اجتماعی و یا حتی آسیب‌های اجتماعی گردد (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۵). یکی از موانع ازدواج جوانان، موانع فردی است. از بین شاخص‌هایی که موانع فردی ازدواج را تشکیل می‌دهند، مهمترین شاخص‌ها عبارت بودند از وسواس در انتخاب همسر با میانگین (۳/۷۲)، نداشتن اعتماد به نفس برای تشکیل زندگی مشترک با میانگین (۳/۳۹) و ترس و نگرانی از انتخاب همسر مناسب با میانگین (۳/۳۷). یافته‌های تحقیق (میری، ۱۳۷۶)، (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸)، (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰)، (موسوی، ۱۳۸۲)، (نیک منش و کاظمی، ۱۳۸۵)، (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶)، (اینجلیس و گرین گلاس، ۱۹۸۹)، (گیسبون و دیویس ۲۰۰۵ به نقل از استرونک، ۲۰۰۸) نیز نتایج این بررسی در خصوص اهمیت عامل فردی به عنوان یکی از موانع ازدواج را تأیید می‌کنند. نکته قابل توجه در زمینه موانع فردی ازدواج آن است که شاخص‌های با ضریب تأثیرگذاری بالا در این زمینه در حوزه روانی قرار دارند و این مسأله نیاز به مراکز مشاوره تخصصی ازدواج را دو چندان می‌نماید. یکی دیگر از موانع مهم ازدواج جوانان، موانع اقتصادی است. از بین شاخص‌هایی که موانع اقتصادی ازدواج را تشکیل می‌دهند، مهمترین شاخص‌ها عبارتند از نامشخص بودن آینده شغلی به ویژه برای پسران با میانگین (۴/۴۰)، بالا بودن هزینه زندگی با میانگین (۴/۳۴)، نداشتن حداقل درآمد برای اداره زندگی با میانگین (۴/۳۲). یافته‌های تحقیق (رمضانیان، ۱۳۷۶)، (میری، ۱۳۷۶)، (تذکری و کریم‌الهی، ۱۳۷۷)، (مقدس جعفری و یعقوبی‌چوبری، ۱۳۷۷)، (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸)، (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰)، (شکبئی و آفاخانی، ۱۳۸۲)، (نیک منش و کاظمی، ۱۳۸۵)، (ناستی زائی، ۱۳۸۵)، (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶)، (اینجلیس و گرین گلاس، ۱۹۸۹)، (گیسبون و دیویس ۲۰۰۵ به نقل از استرونک، ۲۰۰۸)، (شوئن و چونک، ۲۰۰۶ به نقل از استرونک، ۲۰۰۸) نیز در این زمینه نتایج این بررسی را تأیید می‌کنند.

براساس نتایج تحقیق دوبله سی لوگ‌لینل در گذشته هرچه سطح زندگی پایین‌تر بود سن ازدواج دختر عقب‌تر می‌رفت ولی در سن ازدواج مردان تأثیری نداشت. از طرف دیگر هنگام بحران و کمی محصول، سن ازدواج در طبقات فقیر از دو حال خارج نبود، یا دخترها خیلی زود شوهر می‌کردند و یا اصلاً شوهر نمی‌کردند. او نتیجه می‌گیرد که وقتی سطح زندگی اقتصادی- اجتماعی پایین بیاید روز به روز تعداد زن-

هایی که از شوهرانشان مسن‌تر هستند بیشتر می‌شود (میشل، ۱۳۵۴: ۱۴۲). در کنار شغل، فقدان مسکن مستقل با توجه به تغییر نوع خانواده‌ها از گسترده به هسته‌ای و یا زن و شوهری مستقل یکی از دغدغه‌های جوانان بوده و در زمینه عدم ازدواج آنان مؤثر می‌باشد.

طبق استانداردهای جهانی متوسط نسبت اجاره به درآمد حدود ۱۵ درصد است یعنی هر فرد یا خانواده باید ۱۵ درصد حقوق خود را بابت اجاره مسکن بپردازد. اما در ایران بالا بودن این شاخص از کمبود عرضه مسکن استیجاری نسبت به تقاضای بازار حکایت دارد برخی خانواده‌ها مجبورند درصد بالایی از درآمد خود را برای اجاره مسکن هزینه کنند و برخی نیز هر ماه برای پرداخت اجاره با مشکلات اساسی روبه‌رو هستند (یاوری، ۱۳۸۵: ۶). موانع اجتماعی نیز در زمینه ازدواج جوانان اثر منفی دارد. مهمترین شاخص‌هایی که موانع اجتماعی ازدواج را تشکیل می‌دهند عبارتند از اعتیاد پسران با میانگین (۴/۳۹)، عدم حس مسئولیت‌پذیری توسط پسران با میانگین (۳/۸۱)، نداشتن راهنمای خوب و مطمئن با میانگین (۳/۴۳). یافته‌های تحقیق (رمضانیان، ۱۳۷۶)، (مقدس جعفری و یعقوبی چوبری، ۱۳۷۷)، (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸)، (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰)، (موسوی، ۱۳۸۲)، (ناستی زائی، ۱۳۸۵)، (اینجلیس و گرین گلاس، ۱۹۸۹) نیز نتایج این بررسی درخصوص اهمیت عامل اجتماعی به عنوان یکی از موانع ازدواج را تأیید می‌کنند. البته برخی از شاخص‌های اجتماعی موانع ازدواج مانند اعتیاد ارتباط معناداری با شاخص‌های اقتصادی دارد به عنوان مثال اعتیاد جوانان در بسیاری از موارد نتیجه نداشتن شغل و بیکاری است. جوانانی که فاقد شغل بوده بیشتر در معرض بیماری‌های افسردگی و انزوا می‌باشند در نتیجه مستعد روی آوردن به سمت اعتیاد هستند. یکی دیگر از موانع مهم ازدواج جوانان، موانع حاکمیتی است. از بین شاخص‌هایی که موانع حاکمیتی ازدواج را تشکیل می‌دهند، مهمترین شاخص‌ها عبارت بودند از آسان نبودن پرداخت وام مورد نیاز به زوج‌های جوان با میانگین (۴/۲۸)، کافی نبودن میزان وام پرداختی جهت تأمین هزینه‌های ازدواج با میانگین (۴/۲۱)، عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک به زوج‌های جوان با میانگین (۴/۱۶). یافته‌های تحقیق (ناستی زائی، ۱۳۸۵)، نیز نتایج این تحقیق درخصوص اهمیت عامل حاکمیتی به عنوان یکی از موانع ازدواج را تأیید می‌کنند. بنابراین دولت و حاکمیت با تدابیر هوشمندانه خود و با تصویب قوانین مناسب در زمینه تشویق جوانان به ازدواج و رفع محدودیت‌ها و موانع می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود. موانع فرهنگی نیز در زمینه ازدواج جوانان اثر منفی دارد. از بین شاخص‌هایی که موانع فرهنگی ازدواج را تشکیل می‌دهند، مهمترین شاخص‌ها عبارت بودند از چشم و هم‌چشمی در ازدواج با میانگین (۴/۸۷)، اعتقاد خانواده‌ها به ازدواج دختر کوچکتر پس از ازدواج دختر بزرگتر با میانگین (۴/۸۳)، عیب‌شمردن مطرح‌شدن مسأله ازدواج توسط خانواده دختر با میانگین (۴/۸۲). یافته‌های تحقیق (رمضانیان، ۱۳۷۶)، (میری، ۱۳۷۶)، (مقدس جعفری و یعقوبی چوبری،

(۱۳۷۷)، (ناستی زائی، ۱۳۸۵)، (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶) نیز نتایج این بررسی درخصوص اهمیت عامل فرهنگی به عنوان یکی از موانع ازدواج را تأیید می‌کنند. حوزه فرهنگ، یکی از حوزه‌های مهم و تأثیرگذار در نظام اجتماعی کلان است که می‌تواند اثرات زیانبار و یا مثبتی بر سایر حوزه‌ها داشته باشد. اگر با آگاهی و نگاهی تیزبینانه به مسائل حوزه فرهنگ نگاه نشود در نهایت جامعه با تضادهای مختلفی روبرو خواهد شد که یکی از مهمترین آنها به اصطلاح تضاد سنت و مدرنیته است که در سال‌های اخیر بحث روز جامعه شده است. ژاپن یکی از کشورهایی است که با حفظ سنت‌های اصیل خود، به خوبی توانسته میان سنت و مدرنیته آشتی برقرار نماید و ضمن حفظ میراث فرهنگی خود از تکنولوژی نیز به خوبی استفاده نماید. اما در جامعه ما به نظر می‌رسد که بین سنت و مدرنیته تضاد آشکاری وجود دارد و با ورود تکنولوژی، بسیاری از عناصر فرهنگی نیز تغییر نموده است. در نهاد خانواده و ازدواج نیز ما شاهد تغییرات زیادی در نوع و میزان ازدواج‌ها و آداب و رسوم هستیم و مدهای زیادی در این زمینه خودنمایی می‌کند. این مسأله باعث شده است برخی از جوانان علی‌رغم تمایل زیاد نتوانند ازدواج کنند و یا اگر ازدواج نمایند ازدواج موفق نداشته باشند. مهمترین موانع ازدواج در این بررسی برحسب اولویت عبارتند از: موانع فرهنگی، موانع اجتماعی، موانع اقتصادی، موانع حاکمیتی و موانع فردی. گرچه مهمترین مانع در این بررسی مانع فرهنگی بوده است. اما براساس مدل پارسونز در یک نظام سبیرنتیک که بحث تبادل اطلاعات و انرژی حاکم است بین خرده نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و شخصیت یک تعامل مؤثر وجود دارد. لذا براین اساس می‌توان گفت موانع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حاکمیتی و فردی ازدواج در یک رابطه تعاملی قرار دارند و می‌توانند برهم تأثیر گذاشته و از یکدیگر متأثر شوند. به‌عنوان مثال یکی از موانع فرهنگی ازدواج در بسیاری از خانواده‌ها در شرایط کنونی آداب رسوم تشریفاتی و چشم و هم‌چشمی است که باعث افزایش هزینه‌های ازدواج شده و از طرف دیگر برخی از خانواده‌هایی که از وضع اقتصادی خوبی برخوردارند رواج دهنده اینگونه آداب و رسوم دست و پاگیر برای ازدواج بسیاری از جوانان شده‌اند. همچنین مجموعه موانع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حاکمیتی نوعی ترس و نگرانی در زمینه ازدواج برای جوانان فراهم نموده که علی‌رغم تمایل نسبتاً زیادی که به ازدواج دارند اما نمی‌توانند در این زمینه اقدام نمایند. در جوامع در حال توسعه از جمله کشور ما، افزایش نرخ جمعیت و مهاجرت و گسترش شهرها از یک سو و عدم رشد صنعت به موازات آن از سوی دیگر باعث می‌شود که افراد و خانواده‌های شهری بطور عمده در گمنامی و بی‌نامی زندگی کنند، در نتیجه روابط متقابل اجتماعی گرم و صمیمانه جوامع سنتی گذشته تبدیل به روابط صوری و سطحی می‌شود. بنابراین شهروندان شناخت کافی و اعتماد متقابل لازم را نسبت به یکدیگر ندارند. از اینرو در جریان ازدواج و زناشویی، مهریه‌های سنگین و گزاف و مخارج بالای عقد و عروسی از طرف خانواده دختر برای ایجاد تضمین جهت ادامه زندگی مشترک رایج

می‌شود. این امر متأسفانه در جامعه ایران به یک عادت اجتماعی تفاخرآمیز تبدیل شده است و روز به روز بر عمق و شدت آن افزوده می‌شود. از سوی دیگر تهیه جهیزیه‌های سنگین و پرهزینه جهت برابری کردن با میزان مهریه‌های بالا برای خانواده دختر ضرورت می‌یابد. اما تحمل و پرداخت این مخارج و هزینه‌ها برای جوانان بیکار و حتی شاغل به دلیل پایین بودن میزان درآمد امکان‌پذیر نیست. لذا امر ازدواج با مشکل و تأخیر مواجه می‌شود (مقدس جعفری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

۱۷- پیشنهادها

- آموزش به خانواده‌ها و الگوسازی در زمینه ازدواج‌های ساده و جلوگیری از تشریفات و آداب و رسوم دست و پا گیر و فلج کننده طوری که اجازه فکر کردن به ازدواج به جوانان در سن واقعی و به هنگام آن داده شود.

- ایجاد وزارت خانه مستقل جوانان و تشکیل سازمان و نهاد جوانان و خانواده که به صورت تخصصی و ویژه به مسأله ازدواج جوانان، مشاوره به آنان و تأمین امکانات و نیازهای آنان پرداخته و با بررسی‌های دقیق و علمی موانع موجود بر سر راه ازدواج جوانان به حداقل ممکن کاهش داده شود.

- برنامه‌ریزی اجتماعی- اقتصادی مناسب به منظور رشد و توسعه زمینه‌های اجتماعی و صنعتی از جمله فعال کردن سرمایه‌های راکد و سرگردان بخش خصوصی تا فرصت‌های شغلی بیشتری در جامعه ایجاد شود.

- اولویت بکارگیری جوانان متأهل در مشاغل مختلف

- اصلاح مقررات اعطای تسهیلات بانکی و تسریع در روند آن در زمینه وام‌های خود اشتغالی، خرید مسکن، خرید کالا و ...

- برگزاری همایش‌ها و سمینارهایی در معرفی و ترویج نگرش‌های مثبت به ازدواج جوانان و نهادینه ساختن آن در جوانان و خانواده‌های آنها.

- ایجاد مراکز مشاوره رایگان و مشاوره‌های تلفنی معتبر در راستای آشنایی با مسائل زناشویی و راهکارهای تحکیم و تقویت بنیان خانواده.

- ایجاد نظام تشویقی برای خانواده‌هایی که مهریه‌های معقول و مناسب لحاظ می‌نمایند و عدم ثبت ازدواج‌ها با مهریه‌های بسیار بالاتر از عرف.

- تدوین برنامه‌های درسی با عنوان جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج در سطح مدارس متوسطه و دانشگاه‌ها بصورت عمومی و فراگیر برای تمامی رشته‌ها.

- هماهنگی بین بخشی سازمان‌ها و نهادهای مختلف در زمینه حمایت‌های سریع و به دور از چرخه بوروکراسی از ازدواج‌های ساده و بدون تشریفات.

فهرست منابع

۱. بانکی پور فرد، امیر حسین و دیگران، (۱۳۹۰)، درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران، معرفت در دانشگاه اسلامی سال پانزدهم، شماره ۳، صص: ۴۷-۲۶.
۲. تذکری، زهرا، کریم الهی منصور، (۱۳۷۷)، بررسی نظرات دانشجویان اردبیل نسبت به ازدواج، خلاصه مقالات نخستین همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان.
۳. خبرنامه آماری کشور، (۱۳۹۱)، سه ماه اول، شماره ۳۱، سازمان ثبت احوال کشور.
۴. دلاور، علی، (۱۳۷۸)، احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی، رشد، تهران.
۵. دلخمش، محمد تقی، (۱۳۸۶)، ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی، روانشناسی تحولی، ش ۱۲.
۶. دواس، دی. ای، (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، نشر نی، تهران.
۷. رمضانیان، محمد، (۱۳۷۶)، نظر سنجی از جوانان تهرانی درباره موانع و مشکلات ازدواج، طرح پژوهشی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
۸. سازمان ملی جوانان، (۱۳۸۰)، مطالعات ملی اولویت بندی موانع ازدواج، گزارش منتشر شده در www.tebyan.net
۹. سالنامه آماری، (۱۳۹۰)، سازمان ثبت احوال کشور.
۱۰. سرمد، زهره و دیگران، (۱۳۷۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگاه، تهران، چاپ چهارم.
۱۱. شریفی، حسن پاشا، (۱۳۷۷)، اصول روان سنجی و روان آزمایی، انتشارات رشد، تهران.
۱۲. شکیبی، علی، آقاخانی، نادر، (۱۳۸۲)، بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارومیه پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج، مجموعه مقالات سمینار دانشجویان موفق.
۱۳. صادقی، رسول و همکاران، (۱۳۸۶)، واکاوی مسئله ازدواج و اعتبار سنجی یک راه حل، پژوهش زنان، ش ۱، صص: ۱۰۸-۸۳.
۱۴. فتحی آشتیانی، علی، احمدی، خدابخش، (۱۳۷۸)، بررسی عوامل محدود کننده و موانع موجود در ازدواج دانشجویان، مجله روانشناسی، سال سوم، شماره ۲، صص: ۱۳۳-۱۲۱.
۱۵. قانع‌ی راد، محمد امین، عزلتی مقدم، (۱۳۸۹)، بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست گذاری‌ها در مسایل خانواده و ازدواج، مسایل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱، صص: ۹۴-۱۶۱.
۱۶. کاظمی پور، شهلا، (۱۳۸۸)، سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۲، صص: ۹۵-۷۵.
۱۷. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، (۱۳۷۰)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، توتیا، تهران.

۱۸. محمودیان، حسین، (۱۳۸۳)، سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، صص: ۲۷-۵۳.
۱۹. مقدس جعفری، محمدحسن، یعقوبی چویری، علی، (۱۳۸۵)، تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲، صص: ۸۹-۱۱۰.
۲۰. موسوی، اشرف السادات، (۱۳۸۲)، بررسی موانع ازدواج و عوامل تهدید کننده آن در دختران و زنان تهران، پروژه تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
۲۱. میری، محمدرضا، (۱۳۷۶) بررسی نگرش و علل کاهش ازدواج دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، سال چهارم، ش ۸ و ۹.
۲۲. میشل، آندره، (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
۲۳. منصورفر، کریم، (۱۳۸۷) روش‌های پیشرفته‌ی آماری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۴. ناستی زائی، ناصر، (۱۳۸۵)، موانع ازدواج دختران، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، صص: ۹۱-۱۰۸.
۲۵. نیک منش، زهرا، کاظمی، یحیی، (۱۳۸۵)، علل و راه‌حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، صص: ۷۷-۹۴.
۲۶. یآوری، محمد ابراهیم، (۱۳۸۵)، بحران مسکن و انتظار خانواده‌ها، ماهنامه اقتصاد خانواده، شماره ۷.
27. Ackerman, N. (1927). *Marriage for and Against*. New York: Hart Publishing Company.
28. Guerin, M. (1992). *Are young adults in a marriage mood?* U.S. Catholic, 57(3).
29. Ingles, A. & Green glass, E. R (1989). *Motivation for marriage among women*.
30. Riesa, S. Issa, A. (2003). *Career planning in Spain: Do temporary contracts delay and motherhood*.
31. Schroeder, R (2003). *The meaning of marriage: an exploratory study of why women choose to marry*. Unpublished PhD Dissertation: Trinity western university.
32. Strange, H. (1975) Continuity and change patterns of mate selection and marriage ritual in Maly Village. *Journal of Marriage and The Family*, 38, 561-571.
33. Strong, Bryan (2008) *The marriage and family experience*. Thomson Higher Education, 10 David Drive , Belmont , C. A. 94002-3098.